

## تحلیل نظام‌مند قرائت «ملاصدرا» از آموزه «معرفت نفس»

سید محمدحسین دعائی<sup>۱</sup>، محمدحسن رستمی<sup>۲</sup>، حسن نقی‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

«معرفت نفس» یکی از راهبردی‌ترین آموزه‌های اسلامی برای تأمین تعالی انسان‌ها و نیل به مقام «عبودیت» و «خداشناسی» است. اما «دین‌پژوهان» قرائت‌های مختلف و بعضاً متضادی از آن ارائه کرده‌اند. از جمله این قرائت‌ها، قرائت «ملاصدرا» است که با توجه به جایگاه والای او در عرصه دین‌پژوهی، می‌توان به اهمیت و ضرورت بررسی آن پی برد. بر همین اساس، در تحقیق حاضر به تبیین قرائت «ملاصدرا» در ضمن مجموعه کامل، متناظر و به‌هم‌پیوسته‌ای از مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با آموزه «معرفت نفس»، شامل «مبانی بحث»، «چیستی، چرایی و چگونگی این آموزه» و «امتدادات علمی و عملی آن» پرداخته و کوشیده‌ایم تا از این رهگذر، تحلیل نظام‌مندی از قرائت او ارائه دهیم. بر اساس نتایج این تحقیق، می‌توان قرائت «ملاصدرا» از آموزه «معرفت نفس» (یعنی لزوم تفکر در ذات، صفات و افعال نفس، برای رسیدن به خداشناسی حصولی و ضرورت شهود هویت بالغیر و عین‌الربط نفس، برای رسیدن به خداشناسی حضوری) را به دلایلی مانند جامعیت، برخورداری از «مبانی متقن معرفت‌شناختی، دین‌شناختی و روش‌شناختی»، کاربردی‌بودن و توجه روشمند به گزاره‌های نقلی (از جمله حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه») به عنوان «قرائت معیار» معرفی کرد. البته در پایان، به چند «ملاحظه» و «تکمله» نیز اشاره شده است.

**واژگان کلیدی:** معرفت نفس، خودشناسی، ملاصدرا، حکمت متعالیه، دین‌پژوهی.

smhdoaei@yahoo.com

rostami@um.ac.ir

naghizadeh@um.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

۳. استاد دانشگاه فردوسی مشهد

نحوه استناد: دعائی، سیدمحمدحسین؛ رستمی، محمدحسن؛ نقی‌زاده، حسن (۱۴۰۰).

«تحلیل نظام‌مند قرائت «ملاصدرا» از آموزه «معرفت نفس»»، حکمت اسلامی، ۸ (۳)، ص ۴۷-۶۸.



## ۱. طرح مسئله

به استناد آیاتی از قرآن کریم (مانده (۵)، ۱۲۵؛ حشر (۵۹)، ۱۹؛ فصلت (۴۱)، ۵۳؛ ذاریات (۵۱)، ۲۰ و ۲۱؛ اعراف (۷)، ۱۷۲) و همچنین روایات عدیده‌ای از معصومین علیهم‌السلام (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۱؛ حافظ برسی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۹۹؛ علم الهدی، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۲۷۴؛ ج ۲، ص ۳۲۹؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۶۱ و ص ۵۸۸؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۲۹۱؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۱۳؛ منسوب به جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳) «معرفت نفس» یا «خودشناسی» یکی از راهبردی‌ترین آموزه‌های دینی برای تأمین تعالی انسان‌ها و نیل به مقام «عبودیت» و «خداشناسی» است؛ آموزه‌ای که با توجه به جایگاه ویژه‌اش در هندسه معارف الهی مورد توجه بسیاری از «دین‌پژوهان» - اعم از مفسران و محدثان - نیز واقع شده و قرائت‌های مختلف و بعضاً متضادی از آن ارائه شده است. بر همین اساس، در تحقیق حاضر برآنیم تا به تحلیل و ارزیابی یکی از مهم‌ترین قرائت‌های مطرح از آموزه «معرفت نفس»، یعنی قرائت ملاصدرا پرداخته و از این طریق، امکان دستیابی به «قرائت معیار» از این آموزه و نیز زمینه علمی لازم برای بهره‌مندی از آثار عینی آن را فراهم آوریم، ان شاء الله. در همین راستا توجه به دو نکته ضروری است:

۱. وجهه غالب شخصیت ملاصدرا، وجهه‌ای «حکمی - فلسفی» است. اما در تحقیق حاضر، قرائت او به‌عنوان یک «دین‌پژوه» مورد بررسی قرار گرفته است. به بیان دیگر، با وجود آنکه ملاصدرا عمدتاً به‌عنوان یک «فیلسوف» شناخته شده و در بسیاری از مباحث (مانند مبحث «علم النفس») از «رویکرد حکمی» و «روش عقلی» بهره برده است، اما از آنجایی که این اندیشمند برجسته بسیاری از موضوعات - از جمله موضوع «معرفت نفس» - را با استشهاد به «آیات و روایات» تبیین کرده و در حوزه «تفسیر و فقه الحدیث» نیز آثار قابل توجهی از خود به جای گذارده است، می‌توان از این زاویه نیز به بررسی قرائت او پرداخت.

۲. اکثر تحقیقات مرتبط با قرائت ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس»، صرفاً به توصیف بُعدی از ابعاد این قرائت پرداخته‌اند. اما در تحقیق حاضر، «تحلیل جامع این قرائت در قالب یک ساختار

نظام‌مند» مد نظر بوده است و به همین خاطر است که می‌توان از مواردی مانند «مراجعه به مجموع آثار صاحب قرائت»، «جست‌وجوی حداکثری منابع» و «ارائه تحلیلی سازواره از قرائت» با «اصطیاد اجزاء آن از مواضع مختلف و چینش منطقی آنها در کنار یکدیگر» به‌عنوان وجوه تمایز تحقیق حاضر با موارد مشابه یاد کرد. به بیان دیگر، کوشیده‌ایم تا دیدگاه ملاصدرا را نه به شکل بخشی و نه در ذیل فهرستی از عناوین پراکنده، بلکه در ضمن مجموعه کامل، متناظر و به‌هم‌پیوسته‌ای از مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با آموزه «معرفت نفس»، شامل «مبانی بحث»، «چیستی، چرایی و چگونگی این آموزه» و «امتدادات علمی و عملی آن» گزارش کرده و مورد بررسی قرار دهیم.

## ۲. مروری بر ابعاد قرائت ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس»

ملاصدرا در بسیاری از آثار خود، توجه ویژه‌ای به بحث «نفس» و «معرفت نفس» داشته و به شکلی بسیار «گسترده» و در عین حال «عمیق» آن را مورد بررسی قرار داده است؛ آثاری که می‌توان با تحلیل محتوای آنها، به تبیین مهم‌ترین ابعاد و ویژگی‌های قرائت ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس» پرداخت:

### ۱-۲. تبیین مبانی معرفت‌شناسانه، روش‌شناسانه و دین‌شناسانه بحث «معرفت

#### نفس»

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های اهمیت دادن ملاصدرا به بحث «نفس» و «معرفت نفس» آن است که او از مبانی معرفت‌شناسانه، روش‌شناسانه و دین‌شناسانه خود در این باب، به وضوح سخن گفته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان با تحلیل آنها، به «رویکرد» و «روش» مورد تأیید او در عرصه «دین‌پژوهی» پی برد. البته از آنجایی که سخنان ملاصدرا در این باب دچار نوعی تعارض ظاهری است، تبیین شفاف و دقیق این بحث، ضروری به نظر می‌رسد. توضیح مطلب آنکه: ملاصدرا در وقت تبیین نگاه خود به موضوع «نفس» و «معرفت نفس»، گاه با اصل قراردادن براهین فلسفی، بر اهمیت و اولویت «نفس‌شناسی عقلی» تأکید می‌کند، گاه با مذمت فلاسفه، «نفس‌شناسی نقلی» را پیشنهاد می‌دهد و گاه با اصرار بر لزوم تحصیل معرفت حضوری به حقیقت خود، از «نفس‌شناسی شهودی» دفاع می‌کند. اما باید توجه داشت که:

اولاً، در نگاه ملاصدرا، شناخت حقیقت «نفس» تنها با «علم حضوری» ممکن بوده و رسیدن به آن با «علم حصولی» محال است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۲۵۲؛ ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۱۰؛ ۱۳۰۲، اق، ص ۱۶۷؛ ۱۳۶۶، ج ۶؛ ص ۲۲۲). به‌عبارت دیگر، به عقیده او، تنها با «شهود نفس» است که می‌توان به حقیقت آن پی برد. بر همین اساس می‌توان زمینه‌سازی برای رسیدن به «معرفت حضوری نفس» را اولویت قطعی و هدف غایی ملاصدرا در عرصه «نفس‌پژوهی» دانست.

ثانیاً، از آن‌جایی که فهم و تفهیم مباحث علمی مرتبط با موضوع «نفس» تنها با کمک «علم حصولی» ممکن بوده و ورود به این حوزه نیز دارای ضرورت است، ملاصدرا دو راه بهره‌گیری از «عقل» و مراجعه به «وحی» را برای تأمین این ضرورت در پیش می‌گیرد.

ثالثاً، با لحاظ مطلوبیت «یقین» در میدان «نفس‌شناسی حصولی» از یک‌سو و منحصر بودن مسیر تحصیل تفصیلی «یقین» در «برهان» از سوی دیگر، ملاصدرا به «عقل» و «برهان فلسفی» اولویت داده و «نگاه عقلی» به موضوع «نفس» و «معرفت نفس» را بر «نگاه نقلی» به آن مقدم می‌دارد. بر همین اساس است که او آیات و روایات مرتبط با این بحث را صرفاً به‌عنوان «شاهد» مورد اشاره قرار داده و از آنها با عنوان «اقتناعیات خطابیّه» یا «شواهد سمعیّه» یاد می‌کند (همو، ۱۳۶۳: ۲۴۹؛ ص ۵۲۷). به عبارت دیگر، در نگاه ملاصدرا نقل «گزاره‌های نقلی» صرفاً جنبه «اقتناعی» داشته و به «یقین تفصیلی» منجر نخواهد شد.

رابعاً، با عنایت به برتری «وحی» بر «عقل» و با توجه به حاکی بودن «گزاره‌های نقلی» از «وحی» و احاطه صاحبان آنها بر همه حقائق عینی و ذهنی، ملاصدرا «نقل معتبر» را راهنمای «عقل» دانسته و معتقد است که می‌توان با تنظیم حرکت «عقل» بر اساس آن، به نتایج بیشتر و بهتری در عرصه «نفس‌پژوهی» رسید (همو، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۹).

خامساً، یکی از دلالتی که ملاصدرا با اتکا به آن، به ذکر «شواهد سمعیّه» پرداخته و در برخی از موارد، «نقل» را بر «عقل» ترجیح می‌دهد آن است که پیمودن طریق «عقل» دشوار بوده و توفیق در آن، متوقف بر تحصیل شرایط عدیده‌ای است (همو، ۱۳۶۳، ص ۶۲۴؛ ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۰۳)؛ همان‌گونه که تحصیل علم به احکام شرعی، از طریق «اجتهاد» دشوار بوده و به همین خاطر می‌توان راه «تقلید» را در پیش گرفت.

سادساً، ملاصدرا با تأکید بر آنکه تحصیل «یقین» - البته به‌نحو «اجمالی» - از طریق «نقل» نیز ممکن بوده و حتی گاه یقین به‌دست آمده از «شواهد سمعیّه» از یقین حاصل از «براهین فلسفی» قوت و نفوذ بیشتری دارد، علاقمندان مباحث فلسفی را از انکار اهمیت «گزاره‌های نقلی» بر حذر می‌دارد (همو، ۱۳۵۴، ص ۳۰۴).

سابعاً، با توجه به پیچیدگی‌های عالم «نفس» و برخورداری آن از یک هویت ملکوتی و ربانی، تلاش برای شناخت این پدیده از طریق «کنکاش‌های عقلی» یا «کاوش‌های نقلی» جز با «عنایات ملکوتی» و «افاضات معنوی» به نتیجه نخواهد رسید؛ عنایات و افاضاتی که متوقف بر «نورانیت، بصیرت و صفای باطنی» است. لذا ملاصدرا بهره‌مندی از «تقوی»، ورود به میدان «مجاهده» و انس با «تهذیب» را شرط موفقیت در میدان «نفس‌شناسی» می‌داند (همو، ۱۳۶۳، ص ۱۶۰؛ ۱۳۶۶، ج ۶؛

ص ۲۱۴). همچنین باید توجه داشت که تلاش‌های عقلی مذمت‌شده در کلام ملاصدرا (همو، ۱۳۶۱، ص ۲۳۴؛ ۱۹۸۱م، ج ۶، ص ۳۷۷؛ ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۹)، تلاش‌هایی است که یا به خیال‌شناخت «حقیقت نفس» صورت گرفته است و یا به خاطر گرفتاری در دام «مغالطه»، بها ندادن به «نقل» و بی‌بهره بودن از «نورانیت»، به بیراهه رفته است.

نتیجه آنکه در نگاه ملاصدرا، «وحی»، «عقل» و «شهود» نه تنها هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند، بلکه مُعدّ، مُمدّ، مؤید و مکمل یکدیگرند (همو، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۳۰۳). از این رو «عقل برهانی» شاخص اعتبارسنجی گزاره‌های حاکی از «وحی» و ابزار فهم آنها، «نقل معتبر» راهنمای «تلاش‌های عقلی»، «دریافت‌های شهودی» عرصه راستی‌آزمایی «برداشت‌های عقلی و نقلی» و تطابق با «برهان عقلی» و «نقل معتبر»، معیار صدق «شهود» است.

## ۲-۲. ورود جدی به مباحث عقلی و فلسفی مرتبط با موضوع «نفس» و «معرفت نفس»

از آنجایی که ملاصدرا برای «نگاه عقلی» به «معارف دینی» اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و اساساً در پی آن است که با تکیه بر «برهان فلسفی»، به تبیین «مباحث عقیدتی» پردازد، عمده مطالب خود در حوزه «نفس‌پژوهی» را با «رویکرد و روش عقلی» سامان می‌دهد. عناوین برخی از مطالب او در این حوزه، از این قرار است: ابطال مادی بودن نفس و تبیین استحاله آن، اثبات «تجرد نفس» و بیان ادله، شواهد و مؤیدات آن، نقل و نقد آراء و ادله مطرح در حوزه نفس‌شناسی، بیان استلزامات تجرد نفس و نتایج آن، طرح و دفع اشکالات، اعتراضات و ایرادات واردشده بر تجرد نفس و تبیین «برهان معرفت نفس».

## ۳-۲. استشهاد به گزاره‌های نقلی و تبیین آنها در بحث «نفس» و «معرفت نفس»

جدای از آنکه ملاصدرا در برخی از تألیفات خود (مانند تفسیر القرآن الکریم و شرح اصول الکافی) به‌طور خاص، به تبیین «گزاره‌های نقلی» پرداخته است، در لابه‌لای مباحث عقلی و فلسفی خود نیز مکرراً «آیات و روایات» را مورد استشهاد قرار داده و از این طریق، مبنای مختار خود در عرصه «دین‌پژوهی» را عینیت بخشیده است. بر همین اساس، میراث او در حوزه «نفس‌شناسی» نیز آمیخته با تعداد قابل توجهی از «آیات قرآن» و «روایات معصومان (علیهم‌السلام)» می‌باشد. به‌عنوان مثال، ملاصدرا در مواضع مشخصی از آثار خود، به بررسی شواهد نقلی و سمعی دال بر «تجرد نفس» می‌پردازد (همو، ۱۴۲۲ق، ص ۲۴۹؛ ۱۳۶۳، ص ۵۲۷؛ ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۷؛ ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۳۰۳؛ ۱۳۵۴، ص ۳۰۱). در رابطه با آموزه «معرفت نفس» نیز او گزاره‌های نقلی فراوانی را مورد استشهاد خویش قرار داده است که در این مجال به گزارش برخی از آنها خواهیم پرداخت:

## الف) آیات

۱. «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت (۴۱)، ۵۳).

ملاصدرا این آیه را شاهی می‌داند بر اینکه عدم انکار لقاء پروردگار در قیامت یکی از آثار تحصیل «معرفت نفس» است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰ش، ص ۱۳۱).

۲. «وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَ فِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات (۵۱)، ۲۰، ۲۱).

ملاصدرا با تکیه بر این آیه، مطالعه کتاب نفس انسانی را بهترین راه خداشناسی معرفی می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۶، ص ۳۷۷)؛ چراکه «نفس انسانی» مجمع همه عوالم، عظیم‌ترین آیت خدا، بزرگ‌ترین حجت الهی و نزدیک‌ترین اشیاء به انسان‌هاست (همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۲).

۳. «أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ إِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ» (روم (۳۰)، ۸).

ملاصدرا با استناد به این آیه، از «معرفت حقیقت همه مخلوقات» به‌عنوان یکی دیگر از آثار معرفت نفس یاد می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۱۳۱).

۴. «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر (۵۹)، ۱۹).

ملاصدرا این آیه را به‌منزله عکس نقیض حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» می‌داند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۱۶۲). یعنی همان‌گونه که «جهل به نفس» یا «نسیان نفس» مستلزم «جهل به رب» یا «نسیان رب» است، «معرفت نفس» نیز مستلزم «معرفت رب» خواهد بود (همو، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۲۴؛ ۱۳۵۴، ص ۷)؛ استلزامی که از نگاه ملاصدرا، بر مثال بودن نفس انسانی برای خدای سبحان، در سه حوزه «ذات»، «صفت» و «فعل» مبتنی است (همو، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۳۳). همچنین از آن جایی که به عقیده او، قوام و فعلیت «نفس» به «عبودیت» بوده و تا پیش از رسیدن به این مرحله، وجودی برای آن متصور نیست، می‌توان به این نتیجه رسید که «عدم معرفت نفس به عبودیت»، نتیجه‌ای جز «معدومیت» یا «منسی بودن» را در پی نخواهد داشت؛ همان حقیقتی که در آیه مذکور مورد اشاره قرار گرفته است (همو، ۱۳۵۴، ص ۴۹۷).

۵. «وَ مَن أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكِ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَ كَذَلِكِ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ» (طه (۲۰)، ۱۲۴-۱۲۶).

به عقیده ملاصدرا، از آن جایی که در باب «وجود ادراکی»، «معلومات» از «موجودیت» منفک نبوده و بناء آخرت نیز بر «معرفت و ادراک» است، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر کسی به حقایق

«از جمله نفس خود، معاد و خداوند) معرفت نداشته باشد، بهره‌ای از «وجود اخروی» نخواهد داشت؛ همان حقیقتی که در آیه مورد بحث، از آن با عنوان «نسیان خدا نسبت به انسان» یاد شده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص: ۵؛ ۱۳۶۳، ص: ۶۲۴).

۶. «الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (توبه (۹)، (۶۷)).

ملاصدرا جمله «نسوا الله فنسيهم» در این آیه را نیز به منزله عکس نقیض حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» می‌داند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص: ۵).

۷. «وَ صَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ» (یس (۳۶)، (۷۸)).

به بیان ملاصدرا، چون در این آیه از «نسیان خود» به عنوان دلیل «جحد حق» یاد شده است، معلوم می‌شود که «معرفت نفس» اساس ایمان به «خدا» و «قیامت» است. لذا می‌توان این آیه را به منزله عکس آیه شریفه «نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» دانست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج: ۵، ص: ۳۴۶).

۸. «مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَا خَلَقَ أَنْفُسَهُمْ وَ مَا كُنْتَ تُمْخِذَ الْمُضِلِّينَ عُضْدًا» (کهف (۱۸)، (۵۱)).

ملاصدرا با استشهد به این آیه، «از خود بیگانگی» و «عدم شناخت خود» را عامل «انحطاط» و «معرفت نفس» را زمینه‌ساز «شناخت عالم» و «مشاهده خالق عالم» می‌داند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص: ۱۳۲).

۹. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أشفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب (۳۳)، (۷۲)).

ملاصدرا از «جهل به نفس» - که مستلزم «جهل به رب» است - به عنوان «بزرگ‌ترین جهل» یاد کرده و بر همین اساس، صبیغه مبالغه «جهول» در این آیه را به «من یجهل نفسه» تفسیر می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص: ۱۶۲؛ ۱۳۷۵، ص: ۱۴۸).

۱۰. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُجِبُونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده (۵)، (۵۴)).

به عقیده ملاصدرا، «جهل به نفس» یعنی جهل به «لایه‌های وجودی خود» و جهل به اینکه براساس آیه فوق، «حقیقت وجود انسان» همان چیزی است که محبوب خداست. او با تأکید بر اینکه هر چیزی جز ذات خود را دوست نداشته و جز ذات او نیز او را دوست ندارد، به این نتیجه می‌رسد که «معرفت نفس» مستلزم «معرفت رب» است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص: ۱۶۲).





۱۱. «وَمَنْ يُرَغَّبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (بقره (۲)، (۱۳۰)).

ملاصدرا با اشاره به اینکه روی گردانی از «ملت ابراهیم (علیه السلام)» - یا همان مقام خُلت - نتیجه «سفاقت» و «جهل به حقیقت نفس» است، از «معرفت نفس» به عنوان طریق وصول به آن یاد می کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸).

۱۲. «فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (زمر (۳۹)، (۱۵)).

در نگاه ملاصدرا، «جهل به نفس» زمینه ساز «ظلم به نفس»، عامل نابودی آن و مستلزم «جهل به پرورگار» بوده و از همین روست که چنین جهلی، «بزرگ ترین جهل» به شمار آمده و خسران ناشی از آن نیز «بزرگ ترین خسران» معرفی شده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۱۶۲).

۱۳. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات (۵۱)، (۵۶)).

ملاصدرا با تأکید بر آنکه «مقصود همه ادیان و شرایع»، رساندن انسان ها به «لقاء خدا و معرفت او» است، نتیجه می گیرد که مراد از «عبودیت» در آیه فوق نیز چیزی جز «تحقق به حقیقت عبودیت» که همان «ادراک رابطه خود با خدا» است نمی باشد. به بیان دیگر، «معرفت نفس به عبودیت و ربوبیت» مستلزم «معرفت خداوند به الاهیت و ربوبیت» بوده و «قوام حقیقی نفس» را به دنبال خواهد داشت (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۱).

۱۴. «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف (۷)، (۱۸۰)).

به عقیده ملاصدرا، این آیه تحصیل معرفت نسبت به «آفاق» و «انفس» را بر انسان ها واجب می کند؛ چراکه «اسماء الهی»، «ارباب صور انواع» بوده و خواندن خداوند به آن اسماء، جز از طریق «تدبر در ربوبات» و تحصیل معرفت نسبت به آنها ممکن نخواهد بود (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۷، ص ۳۲).

### ب) روایات

۱. «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (همو، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۳۳).

یکی از پرتکرارترین احادیث موجود در آثار ملاصدرا، حدیث مشهور «من عرف نفسه فقد عرف ربه» است. او با تکیه بر این حدیث، به ملازمه بین «معرفت نفس» و «معرفت رب» قائل بوده (همان، ج ۵، ص ۱۲۴) و با تأکید بر وجود مناسبت و مضاهات میان «نفس» و «رب»، در سه لایه «ذات»، «صفت» و «فعل»، از «خودشناسی» به عنوان راهی برای رسیدن به «خداشناسی» یاد

می‌کند (همان، ج ۷، ص ۳۳).

۲. «أعرفکم بنفسه أعرکم برّبه» (همان، ج ۲، ص ۲۹۹).

این حدیث نیز یکی دیگر از احادیثی است که ملاصدرا از آن برای اثبات اهمیت «معرفت نفس» و کارکرد آن استفاده می‌کند (همان‌جا).

۳. «ان الله خلق آدم علی صورته» (همو، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۹۲).

ملاصدرا با شاهد قرار دادن این حدیث، خداوند را از داشتن «مثل» منزّه می‌داند. اما وجود «مثال» برای او را ممکن دانسته و «نفس انسانی» را به واسطه برخورداری از «مناسبت و مضاهات با خداوند»، مصداق آن معرفی می‌کند؛ مناسبت و مضاهاتی که می‌توان با تکیه بر آن، به تبیین ملازمه بین «معرفت نفس» و «معرفت رب» پرداخت (همان، ص ۳۹۳).

۴. «رحم الله امرئ اعد لنفسه و استعد لرمسه و علم من این و فی این و الی این» (همان، ج ۱، ص ۵۷۱).

به عقیده ملاصدرا، مراد از علم به «فی این» در این حدیث، «معرفت نفس» و کیفیت سلوک آن برای رسیدن به «سعادت» است. به بیان دیگر، او این حدیث را نیز شاهدی بر ضرورت تحصیل «معرفت نفس» می‌داند (همان‌جا).

۵. «وجدت علم الناس کله فی اربع اولها ان تعرف ربک و الثانی ان تعرف ما صنع بک و الثالث ان تعرف ما اراد بک و الرابع ان تعرف ما یخرجک عن دینک» (همان، ج ۲، ص ۲۶۱).

ملاصدرا فقره «أن تعرف ما صنع بک» در این حدیث را به «معرفت نفس» تفسیر می‌کند. البته بنا بر توضیح او، دو فقره «أن تعرف ما اراد بک» و «أن تعرف ما یخرجک عن دینک» - که حاکی از ضرورت «معرفت به فضایل و رذائل نفسانی» است - نیز می‌توانند با موضوع «معرفت نفس» مرتبط باشند (همان، ص ۲۶۲).

۲-۴. تبیین چیستی «نفس» و اثبات تجرد آن

ملاصدرا اگرچه بر عدم امکان شناخت و توصیف «حقیقت نفس» به کمک «قیاس فکری» تأکید دارد (همو، ۱۳۵۴، ص ۲۵۲)، اما می‌کوشد تا با شرح معنای لغوی و اصطلاحی «نفس»، مخاطب خود را به هویت آن نزدیک کند. او پس از آنکه از «ذات الشیء و حقیقت» به عنوان معنای لغوی «نفس» و «جوهر مفارق عن الاجسام ذاتاً و حقیقة و مقارن لها فعلاً و تأثیراً» به عنوان معنای اصطلاحی آن یاد می‌کند، علت اطلاق این واژه بر «قلب»، «دم»، «ماء» و «رأی» را توضیح می‌دهد (همو، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۹۲). البته ملاصدرا بر تعریف فیلسوفان متقدم از «نفس» (یعنی: کمال اول لجسم طبیعی آلی ذی حیاة بالقوة من جهة ما یدرک الامور الکلیة و یفعل الافعال الفکرية) نیز صحه نهاده و به تبیین



آن می‌پردازد (همو، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۵۳؛ ۱۳۶۳، ص ۵۱۴). همچنین گفتنی است: مواردی مانند «نور من انوار الله المعنویة»، «جوهر ربانی»، «سر سبحانی»، «لطیفه ملکوتیة»، «شعلة لاهوتیة»، «کلمة روحانیة»، «خلق ربانی»، «فعل غیر زمانی و لا مکانی»، «الحروف المكتوب بالكاف و النون»، «جوهرة روحانیة سماویة نورانیة» و «امر ربانی حیه بالذات علامة بالقوة قابلة لمعرفة الله و مجاورة المقدمین المقربین فعالة فی الاجسام و مستعملة لها و متممة اياها الی وقت معلوم ثم تاركة لها راجعة الی عنصرها و معدنها كما كان بدیاً»، برخی دیگر از تعبیری است که او برای تبیین «هویت نفس» به کار برده است (همو، ۱۳۰۲ق، ص ۲۳۸؛ ۱۳۸۱، ص ۲۱۲).

همچنین پس از تلاش در عرصه «تعریف نفس» می‌توان تکاپوهای فراوان برای اثبات «تجرد نفس» به کمک «عقل» و «نقل»، دفاع همه‌جانبه از آن (همو، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۲۶۰ و سپس ابتناء بناء «معرفت نفس» بر این مبنا (همو، ۱۳۵۴، ص ۶) را مرحله مهم دیگری از «نفس‌شناسی صدراپی» دانست. توضیح مطلب آنکه در نگاه ملاصدرا، اساساً «معرفت نفس» — چه در فضای «علم حصولی» (همو، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۸۶) و چه در عرصه «علم حضوری» (همو، ۱۳۶۳، ص ۲۶۵) — یعنی «معرفت تجرد نفس». به عبارت دیگر، حد وسط «برهان معرفت نفس» در نگاه ملاصدرا، «تجرد» یا همان مناسبتی است که میان «نفس انسان» و «خداوند» برقرار بوده و پیوند میان «معرفت نفس» و «معرفت رب» را باعث می‌شود.

البته باید توجه داشت که ملاصدرا علاوه بر «نفس روحانی مجرد» و «روح اصلی»، انسان را دارای یک «نفس جسمانی» و «روح بخاری» نیز می‌داند (همو، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۹۴؛ ۱۳۵۴، ص ۲۵۲) که پرداختن به آن، محتاج مجال دیگری است.

## ۵-۲. شرح چرایی «معرفت نفس» و کارکردهای آن

به جرأت می‌توان یکی از پُررنگ‌ترین و پُرنمودترین مؤلفه‌های قرائت ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس» را تلاش او برای تبیین ضرورت این آموزه و تشریح کارکردهای مختلف آن دانست. ملاصدرا در مواضع متعددی از آثار خود و به مناسبت‌های گوناگون، بر اهمیت خودشناسی تأکید کرده و نسبت به عواقب سوء بی‌بهره بودن از آن هشدار می‌دهد؛ تأکید و هشدار که مرور اجمالی برخی از مصادیق آن، نقش عمده‌ای در فهم قرائت او از این آموزه دارد:

اولاً، ملاصدرا کسی که فاقد «معرفت نفس» بوده و ادراکی از تجرد آن ندارد را لایق وصف «حکمت» ندانسته و با این بیان کلی، بر اهمیت اساسی این مقوله تأکید می‌کند (همو، ۱۴۲۲ق، ص ۱۱؛ ۱۳۵۴، ص ۶).

ثانیاً، ملاصدرا از «معرفت نفس» به عنوان «افضل العلوم الطبیعیة»، «ام الحکمة»، «اصل

السعادة» همانجا)، «ام الفضائل»، «اصل الحكمة»، «مفتاح سائر المعارف» (همو، ۱۳۶۶، ج ۳، ۲۶۸)، «اصل الفضائل»، «اشرف المباحث بعد اثبات المبدأ الأعلى» (همو، ۱۴۲۲، ص ۱۱)، «اصل المعارف» (همو، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۹۹)، «مفتاح العلوم الحقيقية» (همان، ج ۳، ص ۳۸۵) و «العلم المهم» (همو، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۶۱) یاد کرده و از مواردی مانند «دست یابی به مقصود»، «هدایت به اصل وجود»، «گشایش درهای آسمان»، «ارتباط با ملائکه»، «ورود به بهشت» (همو، ۱۳۶۳، ص ۵۵۶)، «وصول به عالم ربوبی»، «مشاهده آیات کبری و ملکوت آسمانها» (همو، ۱۳۰۲، ص ۲۹۹) و «طی مراتب ملک و ملکوت» (همان، ص ۲۸۹) به عنوان آثار کلی آن نام می برد.

ثالثاً، ملاصدرا علاوه بر اشاره کلی به آثار «معرفت نفس»، به شرح جزئیات و مصادیق آن نیز همت گمارده و از مواردی چون «معرفت شناسی» (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۳۱)، «خدانشناسی» (همو، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۴۶؛ ۱۳۶۰، ص ۱۳۲؛ ۱۳۵۴؛ ۱۳۶۳؛ ۶، ص ۱۳۶۳؛ ۲۶۵؛ ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۳۷۷)، «جهان شناسی» (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۳۱؛ ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۳۷۷؛ ۱۳۸۳؛ ۱، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ۱۳۰۲، ص ۲۸۶)، «انسان شناسی» (همو، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۴۶)، «امام شناسی» (همان، ج ۴، ص ۴۰۰)، «قرآن شناسی» (همان، ج ۱، ص ۳۹۴؛ ۲، ص ۲۹۹)، «دین شناسی» (همو، ۱۳۵۴، ص ۴۹۸)، «ارزش شناسی» (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۳۲) و «معاد شناسی» (همو، ۱۳۶۱، ص ۲۳۴؛ ۴۱۷، ج ۱، ص ۲۹۸؛ ۱۳۰۲، ص ۲۸۶؛ ۱۳۶۳؛ ۶۳۲؛ ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۳۱۸؛ ۱۳۶۱، ص ۲۶۱؛ ۱۳۵۴، ص ۴۳۱) به عنوان «آثار علمی» خودشناسی و از «خودسازی» (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۳۲ و ص ۱۳۳؛ ۱۳۸۳؛ ۱، ج ۲، ص ۱۱۷ و ص ۵۰۸) و «جامعه سازی» (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۳۳) به عنوان «آثار عملی» آن یاد می کند.

رابعاً، ملاصدرا به منظور تأکید مضاعف بر اهمیت تلاش برای تحصیل «معرفت نفس»، علاوه بر آثار «علم به نفس»، از آثار «جهل به نفس» نیز یاد می کند. «ابتلاء به امراض روحی» (همو، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۶۷)، «ظلمت»، «ضنک»، «ضیق صدر»، «عمی قلب»، «صم»، «بکم»، «حرمان»، «هلاک» و «عذاب آخرت» (همو، ۱۳۶۳، ص ۶۲۴؛ ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۰۲؛ ۲، ص ۲۹۹)، برخی از مواردی است که او از آنها به عنوان نتایج «اعراض از معرفت نفس» یاد می کند.

خامساً، اشاره به غفلت عوام و حتی خواص از «معرفت نفس»، پرداختن به ریشه های این غفلت و تفتیح آن، بخش دیگری از سخنان ملاصدرا است که علاوه بر اخبار از یک واقعیت تلخ، می توان إنشاء و جوب توجه به این آموزه را نیز از آن برداشت کرد (همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۴؛ ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۲۲؛ ۷، ج ۳، ص ۴۰۳؛ ۱۳۵۴؛ ۳۳۳، ص ۴۳۰).

سادساً، ملاصدرا با تکیه بر ادله حاکی از ضرورت «معرفت نفس» و با تأکید بر فواید مترتب بر آن، به اولویت این معرفت، در مقایسه با سایر علوم و معارف (از جمله علم به «ظواهر شریعت» و «فروع فقهی») و در نتیجه، اولویت تلاش برای تحصیل آن قائل است (همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۱؛ ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۱۴؛ ۱۳۵۴؛ ۴۳۱؛ ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۷).

## ۶-۲. استفاده از بحث «معرفت نفس» در عرصه تبیین معارف دینی

یکی از مهم‌ترین وجوه قرائت ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس» آن است که او علاوه بر تبیین این آموزه و معرفی کلی و اجمالی آن به‌عنوان «کلید فهم همه معارف» (همو، ۱۳۸۱، ص ۱۷۴؛ ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۹۹؛ ج ۳، ص ۲۶۸)، مصادیق متعددی از کیفیت کارگشایی این کلید را نیز مورد اشاره قرار داده است. به‌عبارت دیگر، او به «تقیح مبنا» در باب «معرفت نفس» اکتفا نکرده و به «حل مسأله» براساس آن نیز پرداخته است. «معنای توحید افعالی» (همان، ج ۲، ص ۲۳۲)، «کیفیت اسناد رحمت به خداوند» (همان، ج ۱، ص ۷۰)، «نحوه استواء پروردگار بر عرش» (همان، ج ۶، ص ۳۸)، «حقیقت معجزه و کرامت» (همان، ج ۳، ص ۴۳۹)، «معنای حیات و کمال حقیقی انسان» (همان، ج ۶، ص ۲۲۱)، «کیفیت صعود و سقوط انسان» (همان، ج ۴، ص ۳۰۱)، «معنای شکر و کیفیت صدور آن از انسان» (همان، ج ۳، ص ۳۸۵) و «کیفیت خدعه زدن به خویش» (همان، ج ۱، ص ۳۹۱)، از مواردی است که ملاصدرا با تکیه بر مبانی نفس‌شناسانه خود به تبیین آنها می‌پردازد.

## ۷-۲. انتقال بحث «نفس» و «معرفت نفس» از «طبیعیات» به «الاهیات»

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قرائت ملاصدرا، تغییر اساسی است که او با نوع نگاه خود به مسأله «نفس»، در جایگاه بحث از آن ایجاد کرد. توضیح مطلب آنکه: تا پیش از ملاصدرا، مباحث مربوط به «نفس» و «معرفت نفس»، عمدتاً در بخش «طبیعیات» فلسفه مطرح می‌شد. او نیز در برخی از آثار خود، به نقل این رویه پرداخته و با سکوت خود بر آن صحنه می‌نهد (همو، ۱۴۲۲، ص ۱۱؛ ۱۳۵۴، ص ۶). اما تبیین جدیدی که ملاصدرا از این مباحث ارائه داد، آن را به بخش «الاهیات» فلسفه منتقل ساخت (همو، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۲۲؛ ۱۳۵۴، ص ۶)؛ چراکه او «معرفت نفس» را مِرقات و سُلّم «معرفت رب» می‌دانست (همو، ۱۳۶۳، ص ۲۶۵) و طبیعی است که آنچه از چنین موقعیت و هویتی برخوردار باشد، در زمره مباحث «الهی» قرار می‌گیرد، نه در فضای مسائل «طبیعی».

## ۸-۲. جدانگاری «معرفت نفس» و معرفت حاصل از تفکر در «آیات انفسی»

ملاصدرا علاوه بر آنکه از تفکیک بین «معرفت آفاقی» و «معرفت انفسی» دفاع می‌کند، به تمایز میان طریق «معرفت نفس» و طریق «نظر در آیات انفسی» نیز قائل است (همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۱). همچنین گفتنی است که او آیه شریفه «و فی انفسکم أفلا تبصرون» را حاکی از «طریق اول» و آیه شریفه «سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» را بیانگر «طریق دوم» می‌داند (همو، ۱۳۶۰، ص ۲۷).

## ۹-۲. استفاده برهانی از «معرفت نفس» برای تحصیل معرفت خدا

یکی از مهم‌ترین وجوه قرائتِ ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس»، عبارت است از «نگاه برهانی» او به این آموزه در عرصه «خدانشناسی». توضیح مطلب آنکه: ملاصدرا پس از معرفی «نفس» به‌عنوان «صورت» (همو، ۱۳۶۳، ص ۲۶۵) یا «مثال» خدا (همو، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۳۸؛ ۱۳۵۴، ص ۶؛ ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۳۷۷) و به‌دنبال تأکید بر تفاوتِ «مثل» با «مثال» (همو، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۹۳)، تفکر در «ذات»، «صفات» و «افعال» آن را طریقی برای شناختِ «ذات»، «صفات» و «افعال» خداوند دانسته (همو، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۳۳؛ ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۹۳) و بر همین اساس، از «معرفت نفس» به‌عنوان «مفتاح توحید» یاد می‌کند (همو، ۱۳۰۲، ص ۳۴۲). او بعد از «برهان صدیقین» - که در آن «سالک»، «مسلک» و «مسلوک الیه» یکی است - «برهان معرفت نفس» را - که در آن فقط «سالک» و «مسلک» یکی است - بهترین برهانی می‌داند که می‌توان با کمک آن به «خدانشناسی حصولی» رسید (همو، ۱۳۶۰، ص ۲۷؛ ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۸۶).

## ۱۰-۲. تقریر کیفیت دست‌یابی به معرفت خدا از طریق تحصیل «علم حضوری به نفس»

ملاصدرا در عین برخورداری از «نگاه برهانی» به آموزه «معرفت نفس»، بر ضرورت تحصیل «علم حضوری به نفس» نیز تأکید دارد. به‌عبارت دیگر، او علاوه بر تبیین کیفیت دست‌یابی به «خدانشناسی حصولی» از طریق «نفس‌شناسی حصولی»، به تبیین کیفیت دست‌یابی به «خدانشناسی حضوری» از طریق «نفس‌شناسی حضوری» نیز پرداخته است. معرفی «معرفت نفس» به‌عنوان «تحقق به حقیقت عبودیت»، «صیوروت»، «صعود» و «کشف حیثیت استهلاکی و تعلق‌ی خود» (همو، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۲؛ ۱۳۵۴، ص ۴۹۸؛ ۱۳۰۲، ص ۲۹۹) در کنار تأکید بر ضرورتِ «نفس‌شناسی حضوری» (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۶۳) و «تلاش برای تجرد از ماده» به‌عنوان ابزارِ «خدانشناسی» (همو، ۱۳۶۳، ص ۲۶۵)، بخش‌هایی از کلام ملاصدرا است که می‌توان با تکیه بر آنها، به تبیین «نگاه عرفانی» او به آموزه «معرفت نفس» پرداخت.

## ۱۱-۲. تبیین چگونگی «معرفت نفس» و نشانه دست‌یابی به آن

یکی دیگر از ممیزه‌های قرائتِ ملاصدرا آن است که علاوه بر تبیین چرایی و چیستی «معرفت نفس»، چگونگی آن را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. به‌عبارت دیگر، او به تبیین ضرورت و هویتِ «معرفت نفس» اکتفاء نکرده و از کیفیت تحقق آن نیز سخن می‌گوید. به‌عنوان مثال، «توجه به هویت لایه‌ای نفس» یکی از مواردی است که ملاصدرا از آن با عنوان «مفتاح معرفت نفس» در فضای «علم حصولی» یاد می‌کند (همو، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۹۳). همچنان‌که «تبدیل وجود ظلمانی

نفسانی به وجود نورانی روحانی» (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۶۳) به واسطه «تجرد» (همو، ۱۳۶۳، ص ۲۶۵) حاصل از «مجاهده»، «مراقبه»، «مداومت بر عبادات ظاهری و باطنی»، «خلوت با خدا»، «حضور قلب»، «تصفیه فکر» و «انقطاع الی الله» (همو، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۱۴) برخی از مواردی است که او تحصیل «معرفت حضوری به نفس» را منوط به آنها می‌داند. همچنین با توجه به آنکه ملاصدرا از «قدرت بر تمییز خواطر» به عنوان «نشانه یا نتیجه معرفت نفس» یاد می‌کند (همو، ۱۳۶۳، ص ۱۶۰)، می‌توان «تمرین تمییز خواطر» را نیز یکی از راه‌کارهای پیشنهادی او برای تحصیل «معرفت نفس» دانست.

## ۱۲-۲. اشاره به وجه رجحان طریقه «معرفت نفس» و علت تشویق به آن

ملاصدرا جدای از تبیین چرایی، چیستی و چگونگی «معرفت نفس»، به «وجه رجحان» این طریقه و «علت تشویق» به آن نیز اشاره می‌کند. «مطابقت عالم صغیر نفس آدمی با عالم کبیر»، «عظمت و جامعیت بی‌مثال صورت انسانی»، «اقربیت نفس به انسان در مقایسه با سایر اشیاء» و «اشتمال بر عجیب‌ترین حکمت‌های الهی»، برخی از دلایلی است که ملاصدرا با تکیه بر آنها، طریقه «معرفت نفس» را از سایر طرق برتر دانسته و نفوس را به سمت آن سوق می‌دهد (همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۲).

## ۱۳-۲. اشاره به مباحث حدیث‌شناختی مرتبط با حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»

با توجه به محوریت حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» در میان گزاره‌های نقلی دال بر آموزه «معرفت نفس»، می‌توان مجموعه سخنان ملاصدرا در ارتباط با این حدیث را نیز به‌عنوان یکی از وجوه قرائت او از آموزه مذکور، مورد توجه قرار داد:

اولاً، ملاصدرا به‌جز معرفی حدیث مذکور به‌عنوان «حدیث مشهور» (همو، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۳۳)، هیچ اشاره دیگری به «مباحث سندی» مرتبط با آن ندارد.

ثانیاً، ملاصدرا در مواردی از این حدیث به‌عنوان کلام پیامبر اکرم ﷺ (همو، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۳۷۷؛ ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ۱۳۶۰، ص ۱۶۳) و در مواردی نیز از آن به‌عنوان سخن امیرالمؤمنین علیه السلام (همو، ۱۳۵۴، ص ۷؛ ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۹۳) یاد می‌کند.

ثالثاً، ملاصدرا متن قابل قبول حدیث مورد بحث را «من عرف نفسه فقد عرف ربه» دانسته و هیچ‌گاه آن را بدون «فقد» نقل نمی‌کند.

رابعاً، ملاصدرا در رابطه با معنای «معرفت نفس» در این حدیث، «سه وجه» را مورد اشاره قرار می‌دهد:

– من عرف نفسه بالعبودية و تحقق بها بالعرفان عرف ربه بالربوبية؛ لأن قوام العبد بالرب

(همو، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۲).

- معرفت النفس لا يمكن الا بالتجرد عن المادة و بقدر التجرد يمكن معرفة الرب؛ فالتجرد مناط الظهور و الاظهار (همو، ۱۳۶۳، ص ۲۶۵).
- من عرف نفس الانسان الكامل فقد عرف ربه؛ لأن الله خلقه مثلاً تاماً لنفسه و لأنه باب الله الأعظم و مقوم لذات الانسان (همو، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۴۰۰).
- خامساً، ملاصدرا در مقام تبیین نوع رابطه «معرفت نفس» با «معرفت رب» در حدیث مذکور، به «چهار وجه» اشاره می‌کند:
  - من عرف نفسه يتوصل الى معرفة الرب و إن كانت بينهما وسائط (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۳۳).
  - إذا حصل معرفة النفس حصل بحصولها معرفة الله بلا فاصل (همان، ص ۱۳۳).
  - معرفة الرب معلقة على معرفة النفس (همو، ۱۳۵۴، ص ۶؛ ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۰۲) و لا تحصل الا بها (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۳۳).
  - معرفة الرب بمعرفة النفس غاية معرفته و لا يمكن فوق هذه المرتبة (همانجا).

### ۳. ملاحظات و ابهامات مرتبط با قرائت ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس»

مهم‌ترین ملاحظات و ابهامات قابل طرح در رابطه با قرائت ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس»، از این قرار است:

۱. ملاصدرا در پی اشاره به «عدم انکار لقاء پروردگار در قیامت» به‌عنوان یکی از آثار «معرفت نفس»، از آیه شریفه «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكُنْ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت (۴۱)، ۵۳) به‌عنوان مؤید این اثر یاد کرده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۱۳۱). بر همین اساس، می‌توان گفت که ظاهراً در نگاه او، ضمیر موجود در «أَنَّهُ الْحَقُّ» به «بعث» و «لقاء خداوند در قیامت» برمی‌گردد. حال آنکه اگر این ضمیر را به «خداوند» برگردانیم، دیگر نمی‌توان چنین استفاده‌ای از آیه فوق را پذیرفت. بلکه می‌توان از این آیه، کارکرد «معرفت نفس» در راستای «خداشناسی» را استفاده کرد.
۲. ملاصدرا با استشهاد به دو آیه «وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (الذاریات (۵۱)، ۲۰، ۲۱)، از «معرفت نفس» به‌عنوان «بهترین راه خداشناسی» یاد می‌کند (همان، ص ۲۷). لکن اگرچه می‌توان از این دو آیه، اصل طریقیّت «معرفت نفس» برای «خداشناسی» را استفاده کرد، اما ظاهراً برتری این طریق را نمی‌توان از آنها نتیجه گرفت.
۳. ملاصدرا آیه شریفه «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر (۵۹)، ۱۹) را به‌منزله عکس نقیض حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» دانسته و در توضیح آن می‌گوید: «همان‌گونه که جهل به نفس یا نسیان نفس مستلزم «جهل به رب» یا «نسیان رب» است،



«معرفت نفس» نیز مستلزم «معرفت رب» خواهد بود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۲۴؛ ۱۳۵۴، ص ۷). حال آنکه ظاهراً این تبیین، محل تأمل است؛ زیرا براساس آیه مذکور، «نسیان رب» مستلزم «نسیان نفس» است، نه برعکس.

۴. ملاصدرا در توضیح آیه شریفه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر (۵۹)، ۱۹) می‌گوید: «از آن جایی که قوام و فعلیتِ نفس به «عبودیت» بوده و تا پیش از رسیدن به این مرحله، وجودی برای آن متصور نیست، می‌توان به این نتیجه رسید که عدم معرفتِ نفس به عبودیت، نتیجه‌ای جز «معدومیت» یا «منسی بودن» را در پی نخواهد داشت؛ همان حقیقتی که در آیه مذکور مورد اشاره قرار گرفته است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۴۹۷). حال آنکه ظاهراً این توضیح با دو آیه «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (توبه (۹)، ۶۷) و «قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» (طه (۲۰)، ۱۲۶) تناسب بیشتری دارد؛ زیرا در این دو آیه است که سخن از «منسی بودن نفس» در میان است.

۵. ملاصدرا آیه شریفه «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (توبه (۹)، ۶۷) را نیز به منزله عکس نقیض حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» می‌داند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ۱۳۶۰، ص ۵). حال آنکه با توجه به تفاوت «انساء خدا» و «نسیان نفس» با «نسیان خدا»، ظاهراً این سخن محل تأمل است. به عبارت دیگر، آیه مذکور عکس آیه «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (بقره (۲)، ۱۵۲) است، نه به منزله عکس نقیض حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه».

۶. ملاصدرا با استشهاد به آیه شریفه «مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَ مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصَدًا» (کهف (۱۸)، ۵۱)، «از خود بیگانگی» و «عدم شناخت خود» را عامل «انحطاط»، و «معرفت نفس» را زمینه‌ساز «شناخت عالم» و «مشاهده خالق عالم» می‌داند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۲). حال آنکه ظاهراً در این آیه، «از خود بیگانگی» به عنوان «شاخص انحطاط» - نه عامل آن - و «معرفت نفس» به عنوان «نشانه خداشناسی» - نه زمینه‌ساز آن - معرفی شده است.

۷. به عقیده ملاصدرا، مراد از علم به «فی این» در حدیث «رحم الله امرئ اعد لنفسه و استعد لمرسه و علم من این و فی این و الی این»، «معرفت نفس» بوده و می‌توان آن را شاهدی بر ضرورت تحصیل «معرفت نفس» دانست (همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۷۱). در حالی که ظاهراً فقره مذکور، بر ضرورت «دنیاشناسی» دلالت دارد، نه ضرورت «نفس‌شناسی».

۸. ملاصدرا با تأکید بر تمایز طریق «معرفت نفس» و طریق «نظر در آیات انفسی» با یکدیگر، آیه شریفه «و فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (الذاریات (۵۱)، ۲۱) را حاکی از طریق اول و آیه شریفه «سُنِّرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَقَاتِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»

فصلت (۴۱)، ۵۳ را بیانگر طریق دوم می‌داند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۲۷). حال آنکه ظاهراً مفاد هر دو آیه یکسان بوده و طریق «معرفت نفس»، همان طریق «نظر در آیات انفسی» است. به بیان دیگر، چون مراد ملاصدرا از طریق «نظر در آیات انفسی»، همان «نفس‌شناسی حصولی» بوده و چون «نفس‌شناسی حصولی» از جنس «معرفت آفاقی» است، نمی‌توان آیه‌ای که در آنها از «معرفت نفس» - در کنار «معرفت آیات آفاقی» - به‌عنوان طریق «خداشناسی» یاد شده است را ناظر به آن دانست.

#### ۴. تکمله‌هایی بر قرائت ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس»

به منظور تکمیل و ارتقاء قرائت ملاصدرا از آموزه «معرفت نفس» و برای رسیدن به «قرائت معیار» از این آموزه اسلامی، توجه به چند نکته ضروری است:

#### ۱-۴. لزوم التزام به «محوریت وحی» در عرصه «نفس‌پژوهی»

اگرچه همه «عقل‌گرایان عرفان‌محور» (از جمله ملاصدرا) با تأکید بر اتحاد مفاد «عقل»، «قلب» و «وحی»، با تلاش برای آشتی دادن «آموزه‌های حکمی» با «ظواهر نقلی» و با اشاره به برتری یقین حاصل از «ادله سمعیه» در برخی از موارد، بر اهمیت «گزاره‌های وحیانی» اتفاق نظر دارند. اما اکثر آنان (از جمله ملاصدرا) آیات و روایات را صرفاً به‌عنوان «شاهد» مورد توجه قرار داده و نظام معرفتی خود را بر «یافته‌های عقلانی» استوار ساخته‌اند (همو، ۱۴۲۲ق، ص ۲۴۹؛ ۱۳۶۳، ص ۵۲۷؛ ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۷؛ ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۳۰۳؛ ۱۳۵۴، ص ۳۰۱). لکن علامه طباطبایی، جدای از آنکه «نظام معرفتی عقلانی، عرفانی و وحیانی» را به اوج خود رسانده و آن را از هرگونه آلاچی پیراسته است، بر «محوریت قرآن کریم» در عرصه «نظریه‌پردازی» و «نظام‌سازی» نیز تأکید ویژه‌ای دارد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۷۱)؛ و بر همین اساس، قرائت خود از آموزه «معرفت نفس» را بر آیه‌ای چون «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ\* وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر (۵۹)، ۱۸ و ۱۹) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَصْرُكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده (۵)، ۱۰۵) مبتنی می‌سازد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰ق، ص ۳۷؛ ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۶۲). از همین رو می‌توان قرائت او از این آموزه را بر سایر قرائت‌های مطرح در این حوزه ترجیح داده و از آن به‌عنوان الگویی برای تبیین آموزه‌های دینی استفاده کرد.

#### ۲-۴. وجوب تلاش برای رسیدن به یک «قرائت کاربردی - رقابتی» از آموزه

#### «معرفت نفس»

اگرچه «عقل‌گرایان عرفان‌محور» (از جمله ملاصدرا) علاوه بر چپستی و چرایی «معرفت نفس»،

چگونگی آن را نیز مورد توجه قرار داده (رک: همو، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۱۴) و علاوه بر قرائت‌های درون‌دینی، برخی از موارد مشابه در فضاهای برون‌دینی را نیز مد نظر داشته‌اند (رک: همو، ۱۳۵۴، ص ۶)، اما می‌توان با توجه بیشتر به «چگونگی معرفت نفس»، زمینه دست‌یابی به یک «قرائت کاربردی» از این آموزه را فراهم آورده و علاوه بر «نیاز معرفتی» مخاطب، «نیاز تربیتی» او را نیز پاسخ گفت. همچنین می‌توان با ورود جدی‌تر به فضای «مطالعات تطبیقی» و «پاسخ‌گویی به نیازهای فکری و فرهنگی معاصر»، زمینه شکل‌گیری یک «قرائت رقابتی» از آموزه «معرفت نفس» را فراهم آورده و علاوه بر دست‌یابی به یک قرائت دینی معیار از این آموزه، برتری آن در رقابت‌های برون‌دینی را نیز ممکن ساخت؛ همچنان‌که «علامه طباطبایی» قدم‌های مهم و مؤثری را در این راستا برداشته است. به بیان دیگر، او علاوه بر آنکه با التزام به «محوریت وحی»، ارتقاء «نظام معرفتی عقل‌گرایان عرفان‌محور» را باعث شده است، با تدوین «نظام تربیتی مبتنی بر معرفت نفس» و تبیین «راهکار عملی نفی خواطر» از یک‌سو (ن.ک: دو کتاب رساله‌الولایة و رساله لب‌اللباب در سیر و سلوک اولی‌الالباب) و توجه جدی به «مطالعات تطبیقی روزآمد» از سوی دیگر (ن.ک: حسینی طهرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۵؛ مرزبان وحی و خرد، ۱۳۸۱، ص ۶۹۰)، آموزه «معرفت نفس» را به یک مدل «عملیاتی - رقابتی» تبدیل کرده و با این اقدام، زمینه برتری آن بر نمونه‌های رقیب را فراهم آورده است.

### ۳-۴. ضرورت ورود تفصیلی به «مباحث سندی و دلالتی» مرتبط با حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»

همان‌گونه که گذشت، التزام به اهمیت «گزاره‌های وحیانی» و استناد روشمند به آنها، یکی از مهم‌ترین معیارها برای تعیین قرائت برتر از آموزه‌های دینی است. از همین رو می‌توان ورود تفصیلی به مباحث تفسیری و فقه‌الحدیثی مرتبط با آموزه «معرفت نفس» را برای رسیدن به قرائتی معیار از این آموزه ضروری دانست. در این میان، حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» به‌عنوان مهم‌ترین سند روایی آموزه «معرفت نفس»، نیازمند توجه بیشتری است. از همین روست که «عقل‌گرایان عرفان‌محور» (از جمله ملاصدرا) این حدیث را در چهار محور «اعتبار حدیث»، «قائل حدیث»، «متن حدیث» و «دلالت حدیث» مورد بررسی قرار داده و خروجی قابل‌قبولی را از خود به جای گذاشته‌اند. البته دفاع از عملکرد «عقل‌گرایان عرفان‌محور» در این حوزه، هرگز به‌معنای اعتقاد به جامعیت آن نیست. به بیان دیگر، اگرچه عالمان متعلق به این جریان، توجه خاصی به حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» داشته و نکات مهمی را در رابطه با «اعتبار» و «دلالت» آن مورد اشاره قرار داده‌اند، اما می‌توان با ورود جدی‌تر به مباحث سندی و دلالتی مرتبط با حدیث مذکور، زمینه تکمیل و ارتقاء قرائت آنان از آموزه «معرفت نفس» را فراهم آورد.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

«قرائت معیار» از آموزه «معرفت نفس»، همان قرائت «عقل‌گرایان عرفان‌محور» (از جمله ملاصدرا) است؛ قرائتی که به جهت برخورداری از ویژگی‌هایی مانند تأکید بر اهمیت و محوریت «گزاره‌های وحیانی» در مقام تبیین مبانی، استناد به حجم انبوهی از آیات و روایات ناظر به موضوع «معرفت نفس»، ورود به مباحث سندی و دلالتی مرتبط با احادیث مربوطه (از جمله حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»)، ارائه یک نظام جامع معرفتی - تربیتی با محوریت «معرفت نفس» و تبیین راهبردها و راهکارهای تحقق آن براساس آموزه‌های قرآن و عترت، نشان از حقانیت مبنا، رویکرد و روش مطرح در «مکتب عقل‌گرایان عرفان‌محور» دارد.

این قرائت را می‌توان در چند گزاره خلاصه کرد:

۱. با توجه به اتحاد مُفَادِ «وحی»، «عقل» و «قلب» و ضرورت بهره‌گیری هم‌زمان از همه ابزارهای شناخت، تلاش روشمند در سه عرصه «نفس‌شناسی و حیوانی»، «نفس‌شناسی عقلانی» و «نفس‌شناسی عرفانی» ضروری بوده و نتیجه این تلاش‌ها هیچ تبیینی با یکدیگر ندارند.
۲. با توجه به «تجرد نفس» از یک‌سو و «استحاله تحصیل معرفت حقیقی خداوند از طریق علم حصولی» از سوی دیگر، «معرفت نفس» یعنی «شهود هویت بالغیر و عین الربطِ نفس، برای شهود رب قیوم و مقوم».
۳. با توجه به تناسب موجود میان «نفس» و «رب» می‌توان از تفکر در «ذات، صفات و افعالِ نفس» به‌عنوان طریقی برای رسیدن به «خداشناسی حصولی» استفاده کرد.
۴. «معرفت‌شناسی»، «خداشناسی»، «جهان‌شناسی»، «انسان‌شناسی»، «امام‌شناسی»، «قرآن‌شناسی»، «دین‌شناسی»، «ارزش‌شناسی» و «معادشناسی»، از مهم‌ترین «آثار علمی خودشناسی» و «خودسازی» و «جامعه‌سازی» از مهم‌ترین «آثار عملی معرفت نفس» می‌باشند.
۵. راه دستیابی به «معرفت نفس» عبارت است از: «تبدیل وجود ظلمانی نفسانی به وجود نورانی روحانی»، به‌واسطه «تجرد» حاصل از «توبه»، «انابه»، «مجاهده»، «مراقبه»، «محاسبه»، «مداومت بر عبادات ظاهری و باطنی»، «خلوت با خدا»، «صمت»، «جوع»، «سهر»، «ذکر»، «تحصیل حضور قلب»، «تصفیه فکر»، «ترک اشتغال به دنیا»، «قطع علاقه به مادیات»، «انقطاع از غیر خدا» و «توجه تام به خدا» که صرفاً با عمل به «اوامر و نواهی شرعی» ممکن است.

## کتاب نامه

- قرآن کریم.

۱. ابن عطیة اندلسی، أبو محمد عبدالحق بن أبی بکر (۱۴۱۳ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (ج ۵). به تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. به تحقیق سید مهدی رجائی. قم: دار الکتب الاسلامی.
۳. ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۸ق). الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن (ج ۵). به تحقیق عبدالفتاح أبوسنة، الشیخ علی محمد معوض و الشیخ عادل أحمد عبدالموجود. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴. حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۴۲۲ق). مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين علیه السلام. به تحقیق علی عاشور. بیروت: اعلمی.
۵. حسینی طهرانی، سید محمد حسین (۱۴۲۳ق). مهر تابان. مشهد مقدس: علامه طباطبائی.
۶. مرزبان وحی و خرد (۱۳۸۱). قم: بوستان کتاب.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین. قم: الهجرة.
۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). شرح أصول الکافی (ج ۱، ۲، ۳). به تحقیق و تصحیح محمد خواجوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). کسر اصنام الجاهلیة. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرآ.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین. به تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی. تهران: حکمت.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم (ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷). قم: بیدار.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱). العرشية. به تصحیح غلام حسین آهنی. تهران: انتشارات مولی.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰). اسرار الآيات و انوار البينات. با مقدمه و تصحیح محمد خواجوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۴). المبدأ و المعاد. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۲ق). شرح الهدایة الاثیریة. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.

۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق). الشواهد الربوبية فى المناهج السلوكية (ج ۱). بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۰۲ق). مجموعة الرسائل التسعة. قم: مكتبة المصطفوي.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۹۸۱م). الحكمة المتعالية فى الأسفار العقلية الأربعة (ج ۶، ۷، ۸، ۹). بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۰. طباطبائي، سيد محمد حسين (۱۳۸۸). شيعه در اسلام. قم: بوستان كتاب.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). الميزان فى تفسير القرآن (ج ۶). قم: اسماعيليان.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰ق). رسالة الولاية. قم: مؤسسه اهل البيت.
۲۳. علم الهدى، على بن حسين (۱۹۹۸م). امالى المرتضى (ج ۱، ۲). تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم. قاهره: دار الفكر العربي.
۲۴. فتال نيشابورى، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ج ۱). قم: انتشارات رضى.
۲۵. منسوب به جعفر بن محمد الصادق عليه السلام (۱۴۰۰ق). مصباح الشريعة. بيروت: اعلمى.